



سرنوشت بیل گیتس های ایرانی

علی سرزیم

نمی‌رفت، در حالی که می‌توان تصور کرد که بیل گیتس ایرانی همین که شروع به رشد و گسترش کند، با اقسام مسائل و مشکلات غیرتجاری روبه‌رو خواهد شد.

از یکسو دولت با توجیه عدالت‌گستری به سراغ قیمت‌گذاری محصولات مایکروسافت ایرانی می‌رفت و نمی‌گذاشت که اجحافی به مصرف‌کننده مظلوم ایرانی شود. از سوی دیگر برخی جناح‌های سیاسی به این رشک می‌افتادند که بزرگ شدن یک مجموعه می‌تواند تهدیدی برای ثبات حاکمیت باشد چرا که قدرت مستقلی در کنار قدرت دولت ایجاد شده است و بخش خصوصی از اندازه قابل تحمل خود بزرگ‌تر گردیده است، لذا کاملاً محتمل بود که این جناح‌های سیاسی به نهادهای تنظیم‌کننده بازار فشار بیاورند تا مایکروسافت ایرانی را به دلیل نقض قانون و بهانه‌هایی از این دست متوقف کنند یا مسوولان آن را چنان تحت فشار قرار دهند که خود ترجیح دهند رشد و گسترش نداشته باشند و کوچک بمانند.

بیل گیتس در آمریکا از قبل فعالیت چندساله توانست نام تجاری معتبری کسب کند و به‌رغم دعاوی قضایی مختلفی که پشت سر گذاشت لطمه چندانی به اعتبارش وارد نشد، اما بیل گیتس ایرانی احتمالاً با این‌خطر روبه‌رو بود که برخی رسانه‌های مرتبط با سیاسیون نظیر سایت‌ها بتوانند ناگهان کل فعالیت آنها را زیر سوال ببرند ولی قدرت یا اجازه دفاع از شرکت خود نداشته باشد.

بیل گیتس ایرانی باید همواره دغدغه این را می‌داشت که چه کسانی بر روی کار می‌آیند مبادا که از او ناراضی باشند، اما بیل گیتس آمریکایی فارغ از حاکمیت جمهوریخواهان و دموکرات‌ها می‌تواند سال‌ها فعالیت کند و اهمیتی برای این تغییر و تحولات عرصه سیاست قائل نباشد. آری چنین تفاوت‌هایی را نیز باز هم می‌توان برشمرد، اما نکته در خور اهمیت این است که بیل گیتس‌های ایرانی به دلیل نبود محیط حقوقی مناسب برای فعالیت تجاری و اقتصادی نمی‌توانند خلاقیت‌ها و استعداد‌های خود را همانند رقیبان خارجی خود به منصه ظهور برسانند.

به عملکرد کارآیی مجموعه‌ای از افراد است. افرادی که هر کدام کارآیی بسیار زیادی دارند و در عین حال می‌توانند به خوبی کار گروهی انجام دهند. مطالعات مختلف نشان داده که سطح کارایی نیروی کار در کشورهای توسعه یافته بیش از کشورهای در حال توسعه نظیر ایران است، لذا کارآفرین مورد نظر ما یعنی بیل گیتس ایرانی از حیث دسترسی به نیروی کار کارآمد شدیداً در مضیقه بود. به فرض نیز که دسترسی به این نیرو داشت، بسیار بعید بود که آنها توان کار گروهی خوبی داشته باشند. علاوه بر آن می‌توان تصور کرد که بیل گیتس ایرانی به جای صرف وقت بر روی نوآوری‌های جدید و مدیریت شرکت، عملاً درگیر مناقشه با نیروی کار بر سر حقوق ناشی از قانون کار بود و مکرر به سازمان‌های تأمین اجتماعی فراخوانده می‌شد.

ثانیاً باید توجه داشت که کل فعالیت‌های تجاری در یک بستر حقوقی انجام می‌شوند. فارغ از نقدی که می‌توان بر سیاست خارجی دولت‌های حاکم بر آمریکا وارد کرد، باید اذعان نمود که ساختار اقتصادی آمریکا توانسته است محیط امنی را برای سرمایه‌گذاری به وجود آورد به طوری که کشور آمریکا از دیرباز از مهم‌ترین مکان‌هایی است که ورود سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی را تجربه می‌کند و این ورود سرمایه تا حدی است که می‌تواند کسری تجاری آن را جبران کند.

امنیت سرمایه‌گذاری در آمریکا از طریق احترام به حقوق مالکیت فراهم شده است، به این معنی که سیستم قضایی و حقوقی حاکم بر آن به طور واقعی تضمین کرده است که انسان‌ها محصول تلاش‌های خود را در اختیار خواهند داشت، لذا بیل گیتس در هنگام رشد و توسعه تهدیدی برای کشور به شمار

تردید در این نیست که بیل گیتس یکی از موفق‌ترین مردان روزگار ما به شمار می‌آید. فردی که توانست با اتکا به قدرت خلاقیت خود ثروتی بیش از درآمد نفتی سالانه ایران کسب کند و در قبال فعالیت‌های خود عرصه جدیدی را به روی زندگی انسان‌ها بگشاید.

شاید این سوال به ذهن رسد که چرا چنین شخصیت‌هایی در ایران خلق نمی‌شوند؟ آیا ممکن نیست که امثال بیل گیتس در ایران به وجود آیند؟ بخشی از موفقیت بیل گیتس ناشی از خلاقیت و مهارت فردی وی است. در این مساله تردیدی نیست که وی یکی از خلاق‌ترین‌ها و هوشمندترین انسان‌هایی است که در عرصه پرقابلیت کسب‌وکار فعالیت می‌کنند، اما نمی‌توان با قاطعیت مدعی شد که هیچ شخصی با همین هوشمندی در ایران وجود ندارد. کاملاً قابل تصور است که فرض کنیم شخص یا اشخاصی با همین سطح از هوش و خلاقیت در ایران وجود دارند، اما همزمان می‌توان ادعا کرد تقریباً غیرممکن است که این شخص بتواند موفقیتی همچون بیل گیتس داشته باشد.

لذا در عین احترام فائل شدن به ویژگی‌های شخصی او باید عوامل دیگری را ورای فاکتورهای شخصی وی سراغ گرفت که به وجود آورنده موفقیت وی است. نخست باید

توجه داشت که موفقیت تجاری در ابعاد شرکت مایکروسافت کار می‌کند منوط

